

## «قوانین اشنونا»: یادگار حقوقدانان باستانی

مارتا. ت. راس و دیگران

ترجمه: حسین بادامچی

۱- قدیمی‌ترین قانون نوشته‌شده شناخته شده، تا سال ۱۹۴۷ میلادی، قانون حمورابی پادشاه معروف بود که از ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م سلطنت می‌کرد. این قانون، با خط میخی و به زبان بابلی بر ستون بلندی (حدود ۲ متر) از سنگ دیوریت سیاه‌رنگ نقش بسته، در ۱۹۰۱ در ویرانه‌های شهر باستانی شوش در جنوب غربی ایران کشف شد و کاشف فرانسوی - V.Scheil - نخستین ویرایش و ترجمه آن را در ۱۹۰۲ منتشر کرد. اما مجموعه قوانین دیگری در ۱۹۴۷ متعلق به دوران «لیپیت - ایشتار»، شاه ایسین کشف گردید که حکومت وی از ۱۹۳۴ الی ۱۹۲۴ ق.م، تقریباً ۱۵۰ سال پیش از حمورابی بود.

مجموعه لیپیت - ایشتار بر روی ستون سنگی منقوش نیست، بلکه آن را به خط میخی و به زبان سومری بر روی لوحه‌ای از گِل که در آفتاب خشک شده نوشته‌اند. لوحه را در اوایل قرن بیستم کشف کردند اما به دلایل متعددی به مضمون آن پی نبردند و انتشار نیافت؛ تا اینکه فرانسویس استیل، معاون سابق موزه دانشگاه پنسیلوانیا، به دستیاری ساموئل نوح کریمر لوحه مذکور را ویرایش و ترجمه کرده، ماهیت حقوقی آن

را معلوم نمود.

F.R.Steale, "The Lipit - Ishrar Law Code", American Journal of Archaeology 51, 1947.

۲ در سال ۱۹۴۸ طه باقر، رئیس موزه عراق، اعلام کرد که «ضمن عملیات حفاری در تپه حرمل، دو لوحه قانونی یافتند که از لوحه «لیپیت - ایشتار» کهن تر است.» این دو لوحه را مانند قانون حمورابی به زبان بابلی (= اکدی) نوشته‌اند. در همان سال متخصص معروف خط میخی، «البرشت گوتزه» به ویرایش و ترجمه دو لوحه مذکور پرداخت:

A.Goetze, "The Laws of Eshnunna Discovered at Tell Harmall",

Sumer 4, 1948.

بیشتر به غلط تصور می‌شد که این مجموعه متعلق به پادشاهی است که شاید ۷۰ سال پیش از «لیپیت - ایشتار» می‌زیسته و بنابراین تاریخ آن را حدود ۲ قرن مقدم بر قانون حمورابی می‌دانستند. اما در نتیجه مطالعات اخیر معلوم شده قانون‌نامه متعلق به دوران یکی از پادشاهان اشنونا به نام ددوشا است که از معاصران اوایل حکومت حمورابی بوده، و لذا تاریخ تقریبی «قوانین اشنونا» را ۱۷۷۰ ق.م می‌دانند.

۳- تا سال ۱۹۵۲ ظن غالب این بود که «قوانین اشنونا» کهن‌ترین سند قانونی است؛ اما در آن سال ساموئل نوح کریمر موفق شد قسمتی از قانون‌نامه پادشاه سومری «اور-نمو» را از روی لوحه‌ای ترجمه کند. «اور-نمو» مؤسس سومین سلسله اور و دوران سلطنت وی ۲۱۱۲ الی ۲۰۹۵ ق.م بوده است.<sup>(۱)</sup>

آن هنگام این پرسش مطرح شد که «اور-نمو» تا چه وقت به عنوان نخستین قانونگذار باقی خواهد ماند؟<sup>(۲)</sup>؛ زیرا از شواهد و قراین برمی‌آید که حتی پیش از تولد «اور-نمو» قانونگذارانی بوده‌اند. یکی از آشورشناسان می‌گفت: «شاید این مدت

۱ برای معرفی و ترجمه قانون مذکور رجوع شود به: حسین بادامچی، «قانون‌نامه اور - نمو: کهن‌ترین قوانین جهان»، در کتاب امروز، اشارات نگاه امروز، اردیبهشت ۱۳۸۰.

۲ الواح سومری، ص ۷۱.

طولانی نباشد» و «دیر یا زود یکی از کاوشگران خوشبخت، مجموعه قوانین کهنتری را که یک یا دو قرن پیش از «اور - نمو» تدوین شده باشد، کشف خواهد کرد.»<sup>(۱)</sup>

تا به امروز از همان قانون‌نامه‌های مشهور، نسخه‌های ناقص و شکسته فراوانی پیدا شده که پژوهشگران را برای قرائت و فهم بهتر و کاملتر آنها بسیار یاری رسانده است. لیکن سؤال نخستین هنوز بی‌پاسخ است. آن کاوشگر خوشبخت ناشناس چه کسی خواهد بود؟

۴- تاریخ مجموعه «قوانین اشئونا» به واسطه کلیشه تاریخی ناقصی در آغاز یکی از لوحه‌های قانون‌نامه، معین شده که احتمالاً به وقایع سالی از سنوات حکومت ددوشا، یکی از حاکمان مملکت اشئونا، اشاره می‌کند. در طی دوران بابلی قدیم، نفوذ اشئونا به خارج از این شهر واقع بر ساحل رود دیاله<sup>(۲)</sup> (تل اسمر امروزی) توسعه یافت و در شمال به آشور و در جنوب به بابل رسیده، یکی از بزرگترین قدرتهای آن زمان شد. ددوشا معاصر اوایل حکومت حمورابی - شاه بابل - بود و قلمرو وی سرانجام مقهور حمورابی و امپراتوری روبه‌گسترش بابل گردید.

۵- این قانون‌نامه چنان‌که از منابع موجود معلوم است، مقدمه یا مؤخره‌ای ندارد. کلیشه‌ی تاریخی به زبان سومری که در آغاز مجموعه هست، سرآغاز دستورها و فرمانهای عفو (فرمان میثرو) سلطنتی دوران بابلی قدیم را به خاطر می‌آورد. همان قانونهای مکرر که به فاصله‌های منظم وضع می‌شد و تعهدات و دیون مردم را به منظور تحقق بخشیدن به اصلاحات اقتصادی لغو می‌کرد.

از این گذشته، بیوند با تدابیر و اقدامات اقتصادی، به واسطه قیمت‌گذاری کالاهای اساسی با نقره و غله، ارائه بها و دستمزد ثابت خدمات و تجهیزات، و نرخ بهره نقره و غله، تقویت می‌شود. انگیزه اقتصادی مشابهی در مقدمه قوانین «اور - نمو» آمده است.

۱- الواح سومری، ص ۷۱.

۲- رود دیاله: یکی از مهمترین ریزابه‌های ساحل چپ دجله، که سرچشمه‌های آن در نواحی غرب است و در جنوب شرقی بغداد به دجله می‌ریزد. قسمتی از آن در ایران است سیروان نام دارد. به نقل از: دایرةالمعارف فارسی.

علاوه بر این تدابیر اقتصادی، قانون‌نامه مشتمل بر مقرراتی است که به موضوعات فراوانی می‌پردازد از جمله مسؤلیت مستاجر، مسایل کشاورزی، سرقت، وثیقه‌ها، امانات و وامها، بندگی ناشی از دین، حقوق زناشویی و جرایم جنسی و جرایم علیه اموال، دایگی و مراقبت از فرزندان طبقات وابسته، جراحات جسمانی، بردگان فراری، گاوان شاخ‌زن و سگان گزنده و دیوارهای در حال فرو ریختن.

۶- مقررات قانون‌نامه به چندگونه آغاز می‌شوند از جمله (غالباً) با اگر (اگر کسی)، نحوه بیان موصولی (کسی که...)، گزاره نتیجه‌دار (بازرگان... نخواهد پذیرفت...) و گزاره‌های راجع به قیمت‌ها و اجاره‌ها که به اشکال گوناگون بیان شده‌اند.

تنها منبعی که پایان این مجموعه را حفظ کرده است نشان می‌دهد که ستون آخر با قسمتی سفید و خالی از نوشته پایان می‌یابد (در حدود فضای شش تا هشت سطر) و در این فضا کاتب مهر یا نام و هویت خویش را می‌نگاشته است.

۷- طبقه اصلی اشخاص مورد بررسی در «قوانین اشنونا»، «شخص آزاد» (اویلوم) است که زن و مرد را شامل می‌شود. علاوه بر آن کسان دیگری هم یاد شده‌اند: همسر (aššatu)، فرزند (maru)، اشخاص درجه دوم: عامی یا عضوی از طبقه عوام (muškenum)، غلام (wardu) و کنیز (amtu) متعلق به آزادگان یا دربار.

سه گروه دیگر نیز ذکر شده‌اند که چگونگی وضعیت ایشان بر ما به طور مسلم و قطعی روشن نیست، اما می‌دانیم جایگاهی خارج از نظام متعارف اجتماعی داشته‌اند: naptaru, ubaru و mudu توجه خاصی هم به بازرگان یا داین (tamkaru) و زن مهمانخانه‌دار (sabitu) معطوف شده است.<sup>(۱)</sup>

۱. بندهای ۷ و ۴، ترجمه بخشی از مقدمه کوناخ خانم پروفیسور Roth بر «قوانین اشنونا» و متن قوانین نیز برگردان ترجمه انگلیسی ایشان است که با ترجمه‌های دیگر نیز مقایسه کرده‌ایم. اثر خانم رات (مرجع شماره ۷) جدیدترین و کامل‌ترین ترجمه قوانین بین‌النهرین باستان از جمله اشنونا است.

## کتابنامه

## الف) فارسی

۱- ساموئل نوح کریم، الواح سومری، ترجمه داود رسایی، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۰.

۲- ژرژ رو، بین النهرین باستان، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، ۱۳۶۹.

۳- دکتر عبدالمجید ارفعی، شیوه برگردان نامها و واژگان سومری، اکدی و ایلامی به پارسی، یاد بهار (یادنامه دکتر مهرداد بهار)، انتشارات آگه، ۱۳۷۶، ۷۶-۷۵.

## ب) انگلیسی

3- A.Goerze, "The Laws of Eshnunna". PP. 161-63 in Ancient Near Eastern Texts Relating to the old Testament, 3d ed. with supplement 1969. Ed. by J.B.Pritchard. Princenton.

4- A.Goetze, hc Laws of Eshnunna, New Haven 1956.

5- R.Yaron, The Laws of Eshnunna. 2d rev.ed. Leiden: Brill 1988.

6- R.Yaron, "A New Translation of Cuneiform Laws." in Jornal of American Oriental Society 118.1 (1998).

7- Martha T. Roth, Law Collections from Mesopotamia and Asia Minor, Atlanta: Scholars Press 1995, Second Edition 1997.

## ترجمه متن:

## بالای کتیبه

[...] روز ۲۱ [...] خدایان انلیل و نینازو، [هنگامی که ددوشا بر تخت] پادشاهی شهر اشنونا نشست و به خانه پدرش [وارد شد]، [هنگامی که] او با سلاحهای نیرومند در طی یک سال شهرهای صوبور، شمش [و... را بر] ساحل دوردست رود دجله فتح کرد [...]

## قوانین

۱- ۳۰۰ سیلا جَو را در برابر ۱ شکل نقره (می توان خرید). ۳ سیلا روغن خوب را - در برابر ۱ شکل نقره. ۱۲ سیلا روغن را- در برابر ۱ شکل نقره. ۱۵ سیلا روغن خوک را- در برابر ۱ شکل نقره. ۴۰ سیلا قیر را- در برابر ۱ شکل نقره. ۳۶۰ شکل پشم را- در برابر ۱ شکل نقره. ۶۰۰ سیلا نمک را- در برابر ۱ شکل نقره. ۳۰۰ سیلا پتاس (potash) را- در برابر ۱ شکل نقره. ۱۲۰ شکل مس تصفیه شده (خالص) را- در برابر ۱ شکل نقره.

۲- بهای ۱ سیلا روغن، عصاره (۴)- (بنابر معیار غله) ۳۰ سیلا غله است. بهای ۱ سیلا روغن خوک، عصاره (۴)- ۲۵ سیلا غله است. بهای ۱ سیلا قیر، عصاره (۴)- ۸ سیلا غله است.

۳- اجاره بهای یک گاری همراه با گاوهایش و گاریچی - (بنابر معیار غله) ۱۰۰ سیلا غله است و بنابر معیار نقره، اجاره بهایش  $\frac{1}{3}$  شکل (برابر ۶۰ دانه جو) است. او آن را به مدت یک روز کامل هدایت خواهد کرد.

۴- اجاره بهای قایق، به ازای هر ۳۰۰ سیلا ظرفیت، ۲ سیلا است؛ علاوه بر این، اجاره بهای قایقران [X] سیلا است. او آن را به مدت یک روز کامل هدایت خواهد کرد.

۵- اگر قایقران بی احتیاطی کند و باعث غرق شدن قایق گردد، خسارت تمام آنچه را که غرق کرده خواهد پرداخت.

۶- اگر شخصی، بنابر موجبات قلبی، قایقی را که به او تعلق ندارد توقیف کند، (مبلغ) ۱۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۷- ۲۰ سیلا غله اجاره بهای هر دروگر است؛ اگر به نقره (پرداخت شود)، ۱۲ دانه جو اجاره بهای اوست.

۸- ۱۰ سیلا غله اجاره بهای کسی است که (به هنگام خرمن کوبی) خرمن را باد می دهد.

۹- شخصی ۱ شکل نقره برای درو و برداشت محصول به اجیری پرداخت کرد - اگر

او (اجیر) به هنگام کار پیش نیاید و برای او (کارفرما) دروگری نکند، مبلغ ۱۰ شکل نقره (برای غرامت) توزین و تسلیم خواهد کرد.

A ۹-۱۵ سیلا اجاره بهای یک داس است، و تیغه شکسته (۴) به مالکش باز می‌گردد.

۱۰-۱۰ سیلا غله اجاره بهای یک الاغ است، و ۱۰ سیلا غله اجاره بهای هدایت کننده آن است؛ او حیوان را به مدت یک روز کامل هدایت خواهد کرد.

۱۱- اجاره بهای اجیر ۱ شکل نقره است، ۶۰ سیلا غله آذوقه اوست؛ او به مدت یک ماه خدمت خواهد کرد.

۱۲- کسی که در مزرعه فردی از طبقه عوام در میان دسته‌های محصول به هنگام روز دستگیر شده است، ۱۰ شکل نقره (برای غرامت) توزین و تسلیم خواهد کرد؛ کسی که به هنگام شب در میان دسته‌های محصول دستگیر شده است خواهد مُرد، زنده نخواهد ماند.

۱۳- کسی که در خانه فردی از طبقه عوام، درون خانه، به هنگام روز دستگیر شده است، ۱۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد. کسی که شب هنگام درون خانه دستگیر شده است، خواهد مُرد، زنده نخواهد ماند.

۱۴- اجاره بهای رخت‌شو، به ازای هر لباسی که به ارزش ۵ شکل نقره باشد - ۱ شکل اجرت اوست؛ (به ازای هر لباسی که) به ارزش ۱۰ شکل نقره باشد - ۲ شکل اجرت اوست.

۱۵- بازرگان یا زن مهمان خانه دار نقره، غله، پشم، روغن یا هر شیء دیگری را از غلام یا کنیز نخواهد پذیرفت.

۱۶- به پسر شخصی که هنوز سهم الارث خود را دریافت نکرده است یا به برده، وام عرضه نخواهد شد.

۱۷- اگر عضوی از طبقه اویلوم هدیه عروسی به منزل پدرزن خود بیاورد - چنانچه (سپس عروس یا داماد) به سرنوشت خود ببینند (بمیرد)، نقره به مالک اصلی اش

(یعنی بیوه مرد یا ورثه او) باز می‌گردد.

۱۸- اگر با دختر ازدواج کند و دختر به خانه او برود و سپس یکی از عروس یا داماد به سرنوشت خود بپیوندد، او تمام آنچه را که آورده بود پس نخواهد گرفت، بلکه تنها مازاد آن را خواهد گرفت.

۱۸A- به ازای هر ۱ شکل نقره، ۳۶ دانه جو بهره تعلق می‌گیرد (= ۲۰٪)؛ به ازای هر ۳۰۰ سیلا (غله)، ۱۰۰ سیلا بهره تعلق می‌گیرد (= ۳۳٪)

۱۹- کسی که به ازای کالای همانند (?) قرض می‌دهد، در زمین خرمن‌کوبی وصول خواهد کرد.

۲۰- اگر کسی... غله... قرض بدهد و سپس غله را به نقره تبدیل کند، به هنگام برداشت محصول غله و بهره آن را (براساس نرخ ثابت ۳۳٪، یعنی) به ازای هر ۳۰۰ سیلا، ۱۰۰ سیلا خواهد گرفت.

۲۱- اگر کسی برای /به... او/ آن نقره بدهد، نقره و بهره آن را (براساس نرخ ثابت ۲۰ درصد، یعنی) به ازای ۱ شکل، ۳۶ دانه جو دریافت خواهد کرد.

۲۳- اگر کسی حقی به به عهده دیگری ندارد اما با این وجود کنیز او را به عنوان تأمین خواسته بگیرد، گروگان را در خانه‌اش حبس کرده، باعث مرگ او شود، (به عنوان غرامت در عوض او) دو کنیز به مالک کنیز خواهد داد.

۲۴- اگر او حقی به عهده وی ندارد اما با این وجود همسر فرد عامی یا فرزند فرد عامی را به عنوان تأمین خواسته بگیرد، گروگان را در خانه حبس کرده، باعث مرگ او شود، این جرم مستوجب اعدام است - گروکشی که (بی‌جهت) تأمین خواسته کرده، خواهد مرد.

۲۵- اگر کسی برای مطالبه (عروسش) به خانه پدرزنش بیاید، اما پدرزنش به او ستم کند (?) و سپس دخترش را به [مرد دیگری] بدهد، پدر دختر دو برابر هدایای عروسی را که گرفته، عودت خواهد داد.

۲۶- اگر کسی برای دختر کسی هدیه عروسی بیاورد، اما دیگری، بدون رضایت پدر



و مادر دختر، او را بر باید و سپس ازاله بکارت کند، این جرم برآستی مستوجب اعدام است - او خواهد مرد.

۲۷- اگر کسی با دختر کسی، بدون رضایت پدر و مادر دختر ازدواج کند، و علاوه بر این، مراسم عروسی و عقد با پدر و مادر دختر منعقد نکند، دختر حتی اگر به مدت یک سال کامل در منزل او اقامت کند، همسر محسوب نمی شود.

۲۸- اگر او عقد و مراسم عروسی با (؟) پدر و مادر دختر منعقد کند و با او ازدواج نماید، به راستی همسر محسوب می شود؛ روزی که در امان مرد دیگری دستگیر شود، خواهد مُرد، زنده نخواهد ماند.

۲۹- اگر کسی در طی یک یورش یا شبیخون یا در حال گشت زنی (؟) دزدیده یا به اسارت گرفته شود، حتی اگر برای مدت زمانی طولانی در کشوری بیگانه اقامت کند، اگر کس دیگری با همسر او ازدواج کند و حتی اگر زن فرزندی بزاید، هر زمان که او بازگردد همسرش را بازپس خواهد گرفت.

۳۰- اگر کسی از اطاعت شهر خود و ارباب خود سر باز زند و سپس بگریزد و بعداً کس دیگری با همسر او ازدواج کند، هر زمان که بازگردد حقی نسبت به همسرش نخواهد داشت.

۳۱- اگر کسی کنیز کس دیگری را ازاله بکارت کند، باید ۲۰ شکل نقره توزین و تسلیم کند، اما کنیز همچنان در ملک اربابش باقی می ماند.

۳۲- اگر شخصی فرزندش را به منظور شیردادن و پرورش بسپارد اما هزینه های غذا، روغن و پوشاک را برای مدت ۳ سال (به دایه) نپردازد، ۱۰ شکل نقره در قبال هزینه پرورش فرزندش خواهد پرداخت و فرزندش را بازپس خواهد گرفت.

۳۳- اگر کنیزی نیرنگ بازد و فرزندش را به زنی از طبقه او یلو بدهد، اگر هنگامی که (طفل) بزرگ شد اربابش او را بیابد، او را گرفته باز خواهد گرداند

۳۴- اگر یکی از کنیزان دربار پسر یا دخترش را برای پروراندن به یکی از عوامل بدهد، دربار پسر یا دختری را که او داده است، باز خواهد گرفت.

۳۵- با این حال، کسی که فرزند یکی از کنیزان دربار را به فرزندخواندگی پذیرفته است، (برده دیگری را) با ارزش برابر برای دربار جایگزین خواهد کرد.

۳۶- اگر کسی اموالش را برای امانت به *naptrau* بسپارد، و او (نپترو) بگذارَد اموالی که به امانت نزد وی سپرده شده، گم شود، بدون ارائه مدرکی دال بر اینکه خانه مورد سرقت واقع شده، چارچوب در صدمه دیده، پنجره به زور باز شده، باید خسارت اموال امانت‌گذار را جبران کند.

۳۷- اگر خانه آن شخص (امین) مورد دستبرد واقع شده، و اموال مالک خانه نیز به مانند اموالی که امانت‌گذار به او سپرده به سرقت رفته، مالک خود بر دروازه (معبد) خداوند (*Tishpak*) برای اقیاع امانت‌گذار سوگند می‌خورد: «اموال من (نیز) همراه اموال تو از دست رفته؛ من مرتکب فریب یا خطا نشده‌ام.» بدین ترتیب برای اقیاع او سوگند خواهد خورد و او ادعایی علیه امین نخواهد داشت.

۳۸- اگر، در شرکت، یک شریک بخواهد سهم خود را بفروشد و شریک او بخواهد بخرد، باید با هر پیشنهاد خارجی برابری کند.

۳۹- اگر کسی ورشکسته شود و سپس خانه‌اش را بفروشد، هر زمان که خریدار آن را برای فروش عرضه کند، مالک خانه حق بازخرید آن را دارد.

۴۰- اگر کسی غلام، کنیز، گاو یا هر کالای دیگری را بخرد، اما نتواند هویت فروشنده را به اثبات برساند، اوست که سارق تلقی می‌شود.

۴۱- اگر یک بیگانه، *naptrau* یا یک *mudu* بخواهد آبجوی خویش را بفروشد، زن مهمان خانه‌دار آبجو را برای او به نرخ رایج خواهد فروخت.

۴۲- اگر کسی بینی شخص دیگری را گاز بگیرد و بکند، ۶۰ شیکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد؛ (در برابر) یک چشم - ۶۰ شیکل؛ یک دندان - ۳۰ شیکل؛ یک گوش - ۳۰ شیکل؛ (در برابر) یک سیلی بر گونه - او ۱۰ شیکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۴۳- اگر کسی انگشت شخص دیگری را قطع کند، ۲۰ شیکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

- ۴۴- اگر کسی شخص دیگری را در خیابان بر زمین بزند و بدین نحو دست او را بشکند، ۳۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.
- ۴۵- اگر پای وی را بشکند، ۳۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.
- ۴۶- اگر کسی شخص دیگری را بزند و در نتیجه استخوان ترقوه او را بشکند، ۲۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.
- ۴۷- اگر کسی در جریان منازعه‌ای هرگونه صدمات (۴) دیگری را به شخص دیگری وارد آورد، ۱۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.
- ۴۸- و راجع به دعوی که مجازات آن پرداخت نقره از ۲۰ شکل تا ۶۰ شکل است، قضات درباره دعوی مطرح علیه او تصمیم خواهند گرفت؛ با این حال، رسیدگی به دعوی که مستوجب مجازات مرگ باشد، تنها در صلاحیت پادشاه است.
- ۴۹- اگر کسی به همراه غلام مسروق یا کنیز مسروقه دستگیر شود، علاوه بر غلام، غلامی را تسلیم خواهد کرد و علاوه بر کنیز، کنیزی را.
- ۵۰- اگر فرماندار نظامی، مدیر نظام آبیاری یا هر یک از مقامات رسمی، غلام فراری، کنیز فراری، گاو گمشده یا الاغ گمشده‌ای را که متعلق به دربار یا متعلق به یکی از عوام باشد، توقیف کند و آن را به اشنونا نفروشد، بلکه در منزل خود نگاه دارد و بیش از یک ماه سپری شود، دربار علیه او اتهام سرقت مطرح خواهد کرد.
- ۵۱- غلام یا کنیز متعلق به (یکی از ساکنان) اشنونا که با غل و زنجیر، قید و بند یا قفل مویی مقید شده است، بدون همراهی مالک خود اجازه ندارد از دروازه اصلی شهر اشنونا خارج شود.
- ۵۲- غلام یا کنیزی که به امانت‌داری تنها یک نماینده (envoy) بیگانه وارد دروازه اصلی شهر اشنونا شده است، با غل و زنجیر، قید و بند، یا قفل مویی (hairlock) مقید خواهد شد و بدین ترتیب به رسم امانت برای مالکش نگهداری می‌شود.
- ۵۳- اگر گاوی گاو دیگر را شاخ بزند و در نتیجه باعث مرگ او شود، دو مالک گاو ارزش گاو زنده و لاشه مرده را (میان خود) تقسیم خواهند کرد.

۵۴- اگر گاو شاخ‌زن است و مقامات محلی این موضوع را به مالکش تذکر داده‌اند، اما او در نگهداری گاوش کوتاهی کند و گاو شخصی را شاخ بزند و در نتیجه باعث مرگ او شود، مالک گاو ۴۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۵۵- اگر (آن‌گاو) برده‌ای را شاخ بزند و در نتیجه باعث مرگ او شود، (مالک‌گاو) ۱۵ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۵۶- اگر سگی گزنده است و مقامات محلی این موضوع را به مالکش تذکر داده‌اند، اما او در نگهداری سگش کوتاهی کند، و سگ کسی را گاز بگیرد و در نتیجه باعث مرگ او شود، مالک سگ ۴۰ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۵۷- اگر (آن‌سگ) برده‌ای را گاز بگیرد و در نتیجه باعث مرگش شود، (مالک‌سگ) ۱۵ شکل نقره توزین و تسلیم خواهد کرد.

۵۸- اگر دیواری کج شده است و مقامات محلی این موضوع را به مالک دیوار تذکر داده‌اند، اما او دیوارش را محکم و استوار نکند، و دیوار فروبریزد و در نتیجه باعث مرگ عضوی از طبقهٔ او یلو شود - این مورد مستوجب مجازات مرگ است، حکم سلطنتی (این‌گونه) معین کرده است.

۵۹- اگر مردی همسرش را بعد از اینکه برای او اولادی به دنیا آورده است، طلاق دهد، و سپس با زنی دیگر ازدواج کند، از خانه و هر آنچه در تملک دارد رانده خواهد شد و به دنبال کسی که او را... حرکت خواهد کرد، [...] خانه...

۶۰- [اگر] نگهبانی در پاسداری [خانه‌ای] غفلت کند و سارق [خانه را مورد سرقت قرار دهد]، آنان نگهبان خانه‌ای را که مورد سرقت قرار گرفته، خواهند کشت [...] و [در] شکافی بدون قبر دفن خواهد شد.

توضیحات:

درباره اوزان و مقیاسها

سیلا (Sila) مقیاس ظرفیت، تقریباً ۱ لیتر = ۶۰ شِکِل

شیکل (Shekel) مقیاس وزن، تقریباً  $۸/۳۳$  گرم =  $۱۸۰$  دانه جو

مینا (mina) مقیاس وزن، تقریباً  $۵۰۰$  گرم =  $۶۰$  شیکل

دانه جو (barley corn) مقیاس وزن، تقریباً  $۰/۰۴۶$  گرم =  $\frac{۱}{۱۸۰}$  شیکل

ماده ۲ - در این ماده خانم راث غله (grain) و گوتزه جو (barley) ذکر کرده است.

ماده ۳ - مقایسه شود با حمورابی ۲۷۱. مشاهده می شود که نرخ اجاره در زمان حمورابی به مقدار قابل توجهی افزایش یافته. با توجه به اینکه ارزش جو بنابر معیار نقره در زمان حمورابی دو برابر افزایش یافته بود این اختلاف آشکارتر جلوه می کند.

ماده ۴ - در بین النهرین سفلی قایقها مهمترین وسیله حمل و نقل هستند. در آن سرزمین شهری که با قایق قابل دسترسی نباشد، نیست و احتمالاً مکانهای اندکی وجود دارند که با هیچ وسیله دیگری جز قایق نمی توان به آن رسید.

اجاره بهای قایق بر مبنای اندازه آن است. و اندازه قایق همانند امروز با ظرفیت یا به اصطلاح توناژ (tonnage) بیان می شود. توناژ یک قایق معمولی مخصوص راندن در رودخانه ظاهراً  $۶۰$  کور است. هر کور تقریباً  $۳۰۰$  لیتر است. قایقهای بزرگتر به ندرت یافت می شود. قایقهای کوچکتر تنها تا حجم  $۵$  کور هست. قسمت آخر ماده مدت اجاره را بیان می کند.

ماده ۵ - قایقران بی احتیاط در برابر مالک قایق برای پرداخت بهای آن، و در برابر مالک بار برای پرداخت بهای کالای بارگیری شده مسؤولیت دارد.

ماده ۶ - از مقدار اندک جریمه مقرر استنباط می شود که جرم مورد بحث سرقت نیست. بنابر ماده ۸ حمورابی، مجازات سرقت جریمه ای حداقل بالغ بر ده برابر ارزش مال مسروقه بوده است. گوتزه می گوید: مسأله به استفاده نامشروع و بدون اجازه شبیه است که در حقوق روم (furtum usus) خوانده می شود. درباره حقوق روم بنگرید به کتاب ذیل:

Borry Nicholas, An Introduction to koman law , oxford 1988, p. 213.

در فقه گفته می شود غاصب مسؤول پرداخت منافع مال مغضوب است خواه این

منافع را استیفا کرده باشد یا نه. اینجا نیز به نظر می‌رسد پرداخت جریمه بابت جبران خسارت ناشی از توقیف غیرقانونی است.

ماده ۹ - یارون (yaron) آغاز این بند را به صورت شرطی قرائت کرد: «اگر شخص...»

ماده ۱۱ - به عبارت دیگر، اجاره بهای اجیر برای مدت یک ماه عبارت است از ۱ شکل نقره و ۶۰ سیلا غله، جهت خوراک او.

ماده ۱۲ - جرم مورد بحث این ماده تجاوز به مالک غیر و ورود غیرقانونی است. در ماده ۱۲ مزروعه و در ماده ۱۳ خانه مورد هتک حرمت قرار گرفته، که در هر دو متعلق به مشکه‌نوم است. مجازاتها در هر دو ماده یکسان است که با توجه به شب یا روز بودن تغییر می‌کند. چنانچه ورود در شب باشد موضع قانون جدی و جرم مستوجب مجازات مرگ است. بنابراین ورود شبانه عامل مشدده تلقی می‌شود. ظاهراً چون هرکس خانه یا مزرعه‌اش را از دولت یا معبد می‌گیرد نسبت به آنان مشکه‌نوم - به معنای عضو طبقه پایین دست - محسوب می‌شود.

درباره جمله «خواهد مُرد، زنده نخواهد ماند» برخی محققان چنین برداشت کرده‌اند که جمله دوم تأکید بر لزوم اجرای مجازات و به این معناست که خون‌بها یا فدیة مالی پذیرفته نخواهد شد. ورود غیرقانونی در قوانین «هیتی‌ها» نیز ذکر شده، در ماده ۹۳، مسأله شروع به جرم تلقی و مجازات آن پرداخت ۱۲ شکیل نقره است. در قوانین «هیتی‌ها» میان ورود شبانه یا روزانه تفاوتی نیست و شدت مجازات به چشم نمی‌خورد. تفاوت میان ورود شبانه و روزانه آیه ۲ و ۳ باب ۲۲ سفر خروج را به خاطر می‌آورد: «اگر دزد به هنگام شب در حین عمل دزدی کشته شود، کسی که او را کشته است مجرم شناخته نمی‌شود. اما اگر این قتل در روز واقع شود کسی که او را کشته مجرم است.»

ماده ۱۵ - گوتزه از روی حدس در جایی «برای سرمایه‌گذاری» (منبع شماره ۳) و در جای دیگر «برای قمار» (منبع شماره ۴) را افزوده است. عدم اهلیت بردگان در حقوق قدیم امر مسلمی بوده است. گوتزه می‌گوید تصریح به این قاعده نشان می‌دهد که تا

حدی عمل به آن مهجور و متروک شده بود و پیش آمدن مشکلات فراوان باعث تأکید مجدد شده است. (منبع شماره ۴)

**ماده ۱۸ -** توضیح خانم راث: «موضوعات جمله اخیر ماده ۱۸ غیرقطعی است، و راه‌حلهای مطرح شده واضح نیست. تنها به یک هدیه، هدیه عروس، در ماده ۱۷ اشاره شده که آنجا به دنبال مرگ یکی از زوجین، هدیه عروسی به داماد یا ورثه او بازمی‌گردد (در صورت فوت عروس، داماد و در صورت فوت داماد، ورثه او هدیه را بازمی‌گیرد). در ماده ۱۸ قبل از مرگ یکی از زوجین ازدواج انجام شده و به مرحله نزدیکی رسیده، که در این مرحله هدایای عروسی بیشتر رد و بدل می‌شود، و گیرنده هدیه عروسی (پدر عروس) آن را نگاه می‌دارد، در حالی که یک پرداخت خاص دیگر، اما ناشناخته، («مازاد» - مازاد هدیه عروس بر جهاز؟) را همسر زنده یا ورثه‌اش بازمی‌گیرد.»

به هنگام نامزدی پسر هدیه عروسی را به پدر دختر می‌دهد. این نامزدی ممکن است سالها پیش از ازدواج باشد. پیش از اینکه دختر به سن ازدواج برسد و پدر دختر متعهد می‌شود دختر خویش را به عقد او درآورد. بنابراین اگر پیش از ازدواج دختر بمیرد پدر دختر باید هدیه عروس را به خواستار، و اگر بمیرد به ورثه او بازگرداند.

بنابر ماده ۱۷ تا زمانی که دختر به خانه مرد نرفته او مالک هدیه عروسی که آورده باقی می‌ماند. اما اگر ازدواج صورت پذیرد و عروس جهاز بیاورد، لیکن قبل از فرزند آوردن که هدف نهایی ازدواج محسوب می‌شود، یکی از طرفین بمیرد، بنابر مواد ۱۶۳ و ۱۶۴ قانون حمورابی، هدیه عروسی به داماد یا ورثه او بازمی‌گردد و جهاز عروس با پدر عروس؛ به این نحو که اگر پدر عروس را به داماد بازگرداند، جهاز کاملاً متعلق به او خواهد بود، اما اگر هدیه عروس را بازنگرداند، داماد حق دارد بهای هدیه عروسی خود را از جهاز کسر کند و مابقی آن را به پدر عروس بازگرداند.

**ماده ۱۹ -** به عبارت روشن‌تر، کسی که به دیگری غله قرض می‌دهد به این شرط که از نوع همان جنس پس بگیرد، موقع وصول دین، هنگام برداشت محصول است.

**ماده ۲۰ -** ظاهراً حيله‌های شرعی سابقه طولانی داشته است! چنانکه در ماده ۱۸۸

دیدیم، نرخ بهره نقره ۲۰٪ و غله ۳۳٪ بوده است. نیازمندی آمده تا نقره قرض بگیرد، و این منفعت جو که نمی‌تواند در قبال قرض دادن نقره بیش از بهره مقرر مطالبه کند، می‌گوید نقره نمی‌دهم اما اگر بخواهی غله می‌دهم و سپس غله را در برابر نقره می‌خرم. بدین نحو مدیون نقره گرفته اما باید نرخ بهره غله را پردازد! و این ابتدا غله می‌دهد و سپس غله را به نقره تبدیل می‌کند تا به هنگام پس گرفتن، نرخ بهره غله (۳۳٪) را بگیرد.

**ماده ۲۵ -** در ترجمه «گوتزه» آمده: «اگر کسی برای خواستگاری به منزل پدرزنش

بیاید و پدرزن او را بپذیرد، اما (با این وجود) دخترش را به دیگری بدهد....»

ظاهراً این بند ناظر به موقعی است که دختر و پسر نامزد شده‌اند و با موافقت پدر دختر قرار عروسی گذاشته‌اند، و پسر نیز مبالغی (پول یا کالا) به رسم هدیه تقدیم کرده، اما وقتی برای بردن عروس مراجعه می‌کند، پدر دختر موافقت نکرده، سپس دخترش را به دیگری شوهر می‌دهد. بنابراین چون قبل از مراسم عروسی، پدر دختر قرارهای سابق را از روی بی‌انصافی و بدون عذر موجه برهم می‌زند، به پرداخت دو برابر هدایایی که گرفته محکوم می‌شود. یعنی جبران خسارت داماد به اضافه غرامت (قرض می‌کنیم از باب ضرر و زیان معنوی!)

**ماده ۲۶ -** آوردن هدیه عروس به معنای نامزد کردن است، یک مرحله پیش از بردن دختر به خانه شوهر.

**ماده ۲۷ -** «یارون» معتقد است موضوع جمله «او خواهد مرد، زنده نخواهد ماند» عاشق زن است نه خود زن؛ و مجازات زن به شوهر او واگذار شده است. با این حال - به گفته خانم «راث» - بنابر دلایل سیاقی، حقوقی و لغت‌شناختی مسلم است که ماده حاضر به وضعیت زن و مجازات مقرر برای رفتار او می‌پردازد.

M.T.Roth, "she will die by the iron dagger" : Adultery and marriage in the Neo-Babylonian period. Journal of the Economic and social History of the orient 31: 185-206

**ماده ۳۲ -** در ترجمه «گوتزه» به جای فرزند، پسر و به جای ۱۰ شکل، ۱۰ مینا آمده



است.

ماده ۳۳ - «یارون» می‌گوید در این بند اولیو به معنای کلی شخص است و به طبقه اجتماعی اشراف نظر ندارد. لذا ترجمه کرده: «... و فرزندش را به دختر مشخص بدهد...»؛ «گوتزه» نیز بر این عقیده است.

لازم به ذکر است که اولیوم دو معنا دارد: ۱) شخص، مرد، هرکس یا هر شخصی بدون علامت مشخصه خاص، ۲) عضوی از طبقه اولیو - طبقه اشراف - در مقابل طبقه عوالم و طبقه بردگان.

ماده ۳۵ - توضیح خانم «راث» ابهام حرف ربط U (که به سه معنی آمده: و، یا، اما) ارتباط ماده ۳۵ با ماده ۳۴ را غیر قطعی می‌سازد: جمله بعد از U می‌تواند یکی از این سه فرض باشد:

الف) ارائه راه حل مطرح شده در ماده ۳۴ (بنابراین دربار بچه را باز می‌گیرد و به علاوه بچه دیگری را هم مطالبه می‌کند).

ب) یک راه متفاوت و جداگانه (بنابراین دربار خود بچه یا جایگزین او را می‌پذیرد).  
ج) یک ماده جدید، که در آن شخص که بچه را پذیرفته، همان شخص مورد بحث در ماده ۳۴ - یعنی یک مشکه‌نوم که بچه را پرورش داده نیست - بلکه کسی است که در مقام پدرخوانده یا پدر رضاعی رابطه رسمی تری با بچه دارد؛ و بنابراین بچه را خانواده جدیدش نگاه می‌دارد و جایگزینی به دربار می‌دهد.

تاکنون محققان از بین راه حل اول و دوم، به نظر اول تمایل داشته‌اند و احتمال قرائت سوم مطرح نبوده است.

ماده ۳۸ - در شرکت هنگامی که یکی از شریکان قصد فروش سهم خود را داشته باشد، شریک دیگری برای خرید حق تقدم دارد. اما از این حق نمی‌تواند سوءاستفاده کند، زیرا قیمتی که او می‌پردازد همان قیمت واقعی بازار یعنی برابر بالاترین مبلغی است که برای خرید سهم شریک به او پیشنهاد شده است.

و در حقوق ما حق شفعه به همین معناست. حق شفعه حق تقدم شخص به خرید

سهم مال غیر منقولی است که در مالکیت مشترک او و شخص دیگری است به شرط آن که شریک وی قصد فروش سهم خود را داشته باشد.

بنابرماده ۸۰۸ قانون مدنی ایران: «هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه میبعه را تملک کند. این را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند.» برخی از فقها حق شفعه را در مال اعم از منقول و غیر منقول معتبر می‌دانند.

ماده ۳۹ - ظاهراً مالک سابق که در حالت اضطرار خانه‌اش را فروخته، برای خرید مجدد آن حق تقدم دارد.

ماده ۴۱ - این سه اصطلاح به اشخاص خارج از نظام معارف اجتماعی و حمایت قضایی اشاره دارد.

R. Westbrook, "The old Baby Ionian Term naptaum". Journal of cuneiform studies, 1994, 46: 41-46.

ماده ۴۲ - «سیلی بر گونه» اشاره به تجاوز فیزیکی یا اجتماعی نسبت به حرمت و آبروی شخص است.

ماده ۴۹ - این بند راجع به مجازات کسی است که برده به سرقت رفته در تصرف او یافت شده است او علاوه بر رد عین مال، معادل ارزش مال مسروق را نیز به عنوان غرامت می‌پردازد.

ماده ۵۲ - ترجمه گوتزه: «غلام یا کنیزی که تحت سرپرستی نماینده‌ای بیگانه، وارد دروازه اصلی شهر اشنونا شده است، با...،...، یا...، نشانه‌گذاری خواهد شد، اما تحت سرپرستی اربابش باقی می‌ماند.»

خانم «راث» در ترجمه خویش، نماینده (envoy) و مالک (owner) را دوشخص جداگانه دانسته است به خلاف «گوتزه».

ماده ۵۸ - مترجمان پیشین جمله اخیر را این‌گونه آورده‌اند: «رسیدگی به آن در

صلاحیت پادشاه است.» ترجمه خانم راث آشکارا از ترجمه‌های پیشین متفاوت است و شایسته بود که ایشان راجع به این مطلب توضیح می‌داد. در هر حال، جمله اخیر در زبان اصلی فعل ندارد و ترجمه خالی از زوائد و تحت‌اللفظی آن چنین است: «جرم مستوجب اعدام: حکم پادشاه». بنابراین به گفته «یارون» قابل بحث است که آیا مسأله صلاحیت قضایی (jurisdiction) مورد نظر مؤلفان اصلی بوده است یا خیر. (مرجع شماره ۶ در کتابنامه).

Yaron, A New Translation of cuneiform laws, JAOS. 118.1 (1998).

جمله‌ای که در ماده ۴۸ رسیدگی به جرم مستوجب اعدام را در صلاحیت پادشاه دانسته، صریح در این معناست و با عبارت مورد بحث ماده ۵۸ فرق دارد، لذا این سؤال مطرح می‌شود که اگر می‌خواستند مسأله صلاحیت قضایی را بیان کنند آیا از همان کلمات ماده ۴۸ استفاده نمی‌کردند؟ این سؤال ترجمه خانم راث را تقویت می‌کند.

ماده ۵۹ - ترجمه گوتزه: «... و می‌تواند به دنبال کسی برود که او را می‌پذیرد.»

ماده ۶۰ - این بند - به گفته خانم راث - آسیب دیده است و بازسازی و تفسیر آن مسلم و قطعی نیست. گوتزه (منبع شماره ۳) این قسمت را غیر قابل قرائت خواند و ترجمه نکرده بود. ماده ۴۷A نیز در ترجمه گوتزه نیست.

پرتال جامع علوم انسانی